

خبرها

رمان جدید یوسا پاییز

منتشر می‌شود

بخش فرهنگی – ماریو بارگاس یوسا نویسنده مشهور پرویی اعلام کرد یک رمان جدید از وی در ماه اکتبر به بازار می‌آید.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ال پاییس، ماریو بارگاس یوسا نویسنده برنده جایزه ادبی نوبل از پرو، رمان جدیدش را ماه اکتبر به بازار می‌فرستد.

این رمان با عنوان «**Tiempos Resus**» یادآور نقل قولی از سن ترزا از چهره‌های قدیس لاتین در قرن شانزدهم است.

این نویسنده که در عرصه مطبوعاتی نیز فعال است و سال ۲۰۱۰ جایزه ادبی نوبل را از آن خود کرد، به تازگی در نمایشگاه نتاب مادرید حضور یافت و خبر انتشار رمان جدیدش را اعلام کرد. وی گفت داستان این رمان درباره یک دوست دومینیکنی است که از سال ۱۹۷۵ که یوسا از این کشور دیدار کرد خاطراتش تا کنون با وی مانده است.

وی گفت: به دومینیکن رفته بودم تا مستندی با رادیو و تلویزیون فرانسوی آنجا بسازم و در اولین نگاه عاشق آنجا شدم. احساس می‌کردم در خانه هستم و فوری ارتباط خیلی خوبی با مردم برقرار کردم. وی گفت در عین حال از اینکه مردم آزادانه درباره دیکتاتور دومینیکن رافائل تروخیلو صحبت می‌کردند شگفت زده شده بود. این در حالی است که شماری از مهم‌ترین آثار یوسا درباره دیکتاتورهای آمریکای لاتین نوشته شده و «سور بز» یکی از مهمترین آثار کلاسیک وی که سال ۲۰۰۰ منتشر شد بر همین سوژه تکیه دارد. یوسا گفت: باید بگویم دوستانم در دومینیکن خیلی به من کمک کردند. بدون آنها هرگز قادر نبودم تا این رمان را بنویسم. من کلا کتاب‌های زیادی درباره دومینیکن و تاریخ دیکتاتوری آنجا خوانده‌ام.

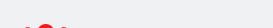
این نویسنده پرویی که خالق بیش از ۴۰ اثر ادبی از رمان گرفته تا نمایشنامه و مقاله است چندین جایزه مهم بین‌المللی ادبی را در کارنامه دارد که جایزه سروانتس در سال ۱۹۹۴، جایزه پرنس استوریاس در سال ۱۹۸۶ و جایزه صلح ناشران آلمان در سال ۱۹۹۷ از جمله آنهاست. وی چندین دکترای افتخاری نیز از دانشگاه‌های دنیا دریافت کرده که مدرک دانشگاه لیسبون در سال ۲۰۱۴ از جمله آن‌هاست. وی مدال لژیون‌دونور را نیز از دولت فرانسه در سال ۱۹۸۵ دریافت کرده است.

در عین حال یوسا تأکید دارد که در دوران دیکتاتوری تروخیلو زنان بیشتر درگیر بوده‌اند و جنون این دیکتاتور بیشتر با تحقیر، دامن زنان جامعه را می‌گرفت. از همین رو یکی از شخصیت‌های اصلی رمان «سور بز» نیز یک زن بود. در زمینه موضوع‌هایی که چشم اندازی از دومینیکن دارند، این نویسنده راهی برای استفاده از طنز نیز در آثار ادبی‌اش پیدا کرده است.

وی در این باره گفت ایده ابرورد و پوچ جداکنه‌های داشت مبنی بر اینکه رمان جدی نمی‌تواند لیکند به لب خواننده بیاورد و فکر می‌کرد رمان جایگاه خوبی برای به کار گرفتن طنز نباشد. وی در عین حال یادآور شد که طنز تأثیر زیادی بر خود وی دارد و بسیاری از افراد جدی تاریخ هم به سراغ طنز رفته‌اند.

وی افزود: من این تأثیر را از سارتر گرفتم که یکی از جدی‌ترین شخصیت‌های ادبی است ولی وقتی می‌خواستیم رمان «پانتالئون و بازدیدکنندگان» را در سال ۱۹۷۳ بنویسم کشف کردم که این داستان باید با زبان طنز روایت شود و از آن زمان فکر می‌کنم طنز در همه آثارم وجود داشته است.

یوسا درباره حجم رمان جدیدش صحبتی نکرد.



چاپ مجموعه اشعار پل‌استر

برای نخستین بار

بخش فرهنگی– مجموعه شعر «فاصله‌ای به اندازه سه اینچ» اثر پل استر با ترجمه ساناز محب از سوی نشر سیب سرخ منتشر شد.

ساناز محب در گفت‌وگو با ایبنا، در توضیح مجموعه اشعار اظهار کرد: پل استر در سال ۱۹۴۷ در نیوجرسی به دنیا آمد. وی از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۰ به سرودن اشعار خود پرداخت و این کتاب شامل ترجمه مجموعه اشعار این شاعر آمریکایی است که اکثر مردم او را رمان‌نویس می‌دانند و این اولین بار است که در ایران مجموعه‌ای از اشعار او به زبان فارسی ترجمه شده است. البته اشعار و رمان‌های وی تاکنون به ۴۰ زبان در سراسر جهان ترجمه شده است.

وی ادامه داد: این کتاب در حیطه مکتب سورئال سروده و در ۱۷۵ صفحه و در هفت فصل ترجمه شده است. «فاصله‌ای به اندازه‌ی سه اینچ» برای نخستین بار در نمایشگاه بین‌المللی کتاب امسال رونمایی شد و به تازگی نیز از سوی نشر سیب‌سرخ در کتابفروشی‌ها عرضه شده است. این مترجم جوان در معرفی پل استر گفت: پل استر که بیشتر مخاطبان کتاب او را با رمان معروف «سه‌گانه نیویورک» می‌شناسند، هم‌اکنون با همسر خود سیری هوست و دخترش سوفیا استر در بروکلین نیویورک زندگی می‌کنند. تا به امروز حدود ۱۹ رمان وی به زبان فارسی ترجمه شده است و نام آخرین کتاب او «۴۳۲۱» است که در ۷۰ سالگی‌اش به چاپ رسیده است. وی افزود: اینکه چگونه این نویسنده از نثری پر حادثه و جنایی به اشعاری فلسفی و سورئال پل می‌زند جای تفکر دارد. در اشعار پل استر مفاهیمی چون هیچ و نیستی، شانس، اقبال، ناامیدی و تا حدی مرگ‌اندیشی فلسفی موج می‌زند و در حقیقت او با تأکید بر هیچ به خواننده نهیب می‌زند تا فرصتی دیگر به زندگی‌اش بدهد.

ساناز محب در توضیح وجه تمایز اشعار این کتاب با سلیقه فضای مجازی اظهار کرد: شعرهایی که در این کتاب آمده است با شعرهایی که مخاطبان در فضای مجازی با آن روبه‌رو می‌شوند کاملاً متفاوت است و اگر کسی به دنبال شعرهای صرفاً عاشقانه می‌گردد، این مجموعه نمی‌تواند کتاب مناسبی برای او باشد. با همه این تفاسیر مخاطب ایرانی در این کتاب با پل‌استری جدید روبه‌رو می‌شود که بسیار جذاب و خواندنی است.

مترجم کتاب «فاصله‌ای به اندازه‌ی سه اینچ» در بخش پایانی صحبت‌هایش با اشاره به مدت زمان ترجمه این کتاب گفت: ترجمه این کتاب یک سال به طول انجامید و تمام تلاشم را در امانتداری و حفظ زبان مبدا و همچنین حفظ شاعرانگی زبان مقصد به کار گرفتم و امیدوارم کتاب درجی‌های نو به روی مخاطبان فارسی‌زبان باز کند.

{ فرهنگ و هنر }

چند نکته درباره‌ی این‌که چگونه «موسیقی مُستقل» را بشناسیم و هنرمند مستقل را از هنرمند مستقل‌نما تشخیص دهیم

در چنبره‌ی «بازی تاج‌وتخت»‌ها

نمی‌دهد، اما نباید تصوّر کرد که چُنّین سخنی مرادف این معناست که این حوزه از هنر، بی‌نیاز از سرمایه‌است و به شکل خُلق‌الشاعه تولید می‌شود. «موسیقی مستقل» در تمام نقاط جهان، تهیّه‌کنندگان مستقل خودش را دارد که بنا بر یک تربیتِ فرهنگی، سرمایه‌ی خود را در حوزه‌ی مورد علاقه و محل تخصّص‌شان خرج می‌کنند.

مشکل این‌جاست که در حال حاضر، چُنّین تهیّه‌کننده‌ای در ایران وجود ندارد. اگر واقع‌بین باشیم، باید بپذیریم همه‌چیز اقتصاد ایران، دولتی است و در خصوصی‌ترین شکل اقتصادی که در این جغرافیا می‌توان تصوّر کرد، کسی که بتواند تجارّتی کمابیش جریان‌ساز به‌راه بیندازد، بی‌تردید در نسبتی با یک سیاست‌مدار بوده است. از سوی دیگر، موسیقی-نظر به مختصّات فرهنگی، خانوادگی و طبقه‌ی اجتماعی‌ای که رجال سیاسی ما از آن می‌آیند- به شکل پایهای بخشی از آموزش‌های سیاست‌مداران ایران امروز و نزدیکان محل وُتوق ایشان نبوده است. به عبارت دیگر، سیاست‌مدار ایرانی و تاجر محل وُتوق او، علم موسیقی درست‌وحسابی ندارند و از چُنّین سرمایه‌گذاری، توقّع سرمایه‌گذاری بر اثری مستقل -به این معنایی که داریم از آن سخن می‌گوییم- نمی‌توان داشت. بنابراین در خُلا حضور یک تهیّه‌کننده‌ی کارا و دانا، آن‌چه قرار است هنرپنّه‌ی تولید اثری از این دست را فراهم بیاورد، پول توجیبی تعدادی جوان آس‌وپاس است که در عمل، منجر به شکل‌گیری جریان‌ی کلان از هنر جدّی نمی‌تواند باشد. این شد گیر دوّم.

گیر بندهای سه و چهار(نه فقط در این جغرافیا)

وقتی می‌گوییم «موسیقی مستقل» همیشه نسبتی دارد با «خرّده‌فرهنگ» و «خرّده‌فرهنگ»‌ها گاه این توانایی را دارند که «پادفرهنگ» بسازند، داریم درست به چیزی اشاره می‌کنیم که این شاخه از هنر را در چشم هر «سیستمی» اَعَمّ از سیاسی و رسانهای و اقتصادی و… هرچه‌آ بدل به یک بُمب ساعتی بالقوّه می‌کند که حتماً پیشاپیش باید خنثی شود. «سیستم»‌ها در همه‌جای جهان -و نه فقط در جهان سوّم- می‌کوشند جامعه را به شکل توده‌ی متوازن سَر‌براه‌هی دربریاورند که هنجارهایی مشخص و قطعی را رعایت می‌کنند: صبح‌ها سر ساعت مشخصی در محل کار حاضر می‌شوند، کارهای مألوفی را انجام می‌دهند، پولی دریافت می‌کنند که برای تفریحاتی از پیش تعیین‌شده مناسب است و چیزهایی برای از دست‌دادن به دست می‌آورند که می‌شود بر اساس آن، هدایت و کنترل‌شان کرد.

به صنعت سرگرمی جهان نگاه کنید: صبح تا شب دارد این نوع از زندگی را تبلیغ و تشویق می‌کند. همه‌ی سرمایه‌ها خرج تولید و توزیع فیلم‌ها، سریال‌ها و موسیقی‌هایی می‌شود که همه را یک‌جا بند بکند. مثالی بنویسم: برای «سیستم»‌ها بی‌شک خوب این است که همه‌ی مُرد جهان در زمانی مشخص در حال تماشا(ی امثلاً مجموعه‌ی تلویزیونی «بازی تاج‌وُتخت» باشند و موسیقی بسیار نازل آن توسط هر نوازنده‌ی آماتورِی قابل اجرا باشد و هر روز صد اجرا با سازهای مختف از آن در شبکه‌های اجتماعی آکه موضوع محبوب همه‌ی سیستم‌های جهان است و به‌خوبی مثل یک دوربین مداربسته در درون یک اداره، نشان می‌دهد هرکس مشغول چه‌کاری‌ست(ا دست‌به‌دست بچرخد. بدبهی‌ست «سیستم» اقلیت را دوست ندارد. می‌خواهد همه یک‌چیز باشند، همان چیزی که او می‌خواهد و می‌شود «کنترل» کرد. در چُنّین موقعیتی وقتی جماعتی پیدا بشوند که به‌رغم تعداد اندک‌شان فصر باشند سازی دیگر بزنند، هرآن‌چه که بزنند، ساز مخالف محسوب می‌شود. خاص این‌که رفته‌رفته کسانی در این میان پیدا بشوند که بخواهند این «خرّده‌فرهنگ» را بدل به سلاح بیداری بکنند و «پادفرهنگ» بسازند.

این شد مشکِل اصلی.

گیر پنجم (نه فقط در این جغرافیا)

فکر می‌کنید «سیستم»‌ها همین‌جوری بی‌کار نشسته‌اند که چهار تاروشن فکر آس‌وپاس برایشان «خرّده‌فرهنگ» و «پادفرهنگ» شاخ بکنند؟ بدبهی‌ست که نه. «سیستم» چه می‌کند؟ نُخْبه‌ها را از میدان بدر می‌کند. امکان بروز و ظهورشان را مُختل می‌کند. انواع مشکلاتی که بتواند جلوی تولید فکری یا رسیدن تولیدِ نُخْبه‌گان را به مُردم بگیرد، پیش می‌کُشد و در برابر، مستقل‌های الکی تولید می‌کند. ناگهان چشم باز می‌کنید و می‌بیند ده-دوازده هنرمند می‌شناسید که همه مدعی «مستقل» بودن هستند، لیکن هرچه که تولید می‌کنند، همان است که باید تولید بشود. تقلبی‌بودن این قماش مستقل‌نماها را چه‌طور می‌شود تشخیص داد؟ خیلی ساده. همه مثل هم هستند! از یاد نبریم کارکرد سیستم -به‌دلیل ماهیتِ ذاتی‌اش- جوری‌ست که نمی‌تواند خاص یا منحصر‌بفرد باشد؛ پس هرچه تولید می‌کند، انبوه است. این نشانه‌ی اصلی است. هر وقت به هنرمندی رسیدید که گفت من مستقل هستم اما داشت چیزی تولید می‌کرد که مشابه آن را دارید در جای دیگری می‌بینید، بدانید که تقلبی است. از یک هنرمندِ مستقل، هرگز دو نسخه وجود ندارد. حتماً یکی‌شان و خیلی وقت‌ها هر دوشان بدلی هستند!

موخره

دوستی می‌گفت کار موسیقی مستقل نه فقط در جهان سوّم که در همه‌جا به سخت‌ترین نقطه‌ی حیاتِ خودش رسیده‌است. بچّه‌های مستقل دیگر دارند در «کافه»‌ها ساز می‌زنند. گفتم این که خوب است. قدیم تبعید می‌شدند به خارج یا به کنج غرُلت‌خانه‌هایشان. بپذیریم مستقل بودن به شکلی ذاتی سخت است لیکن به بن‌بست نمی‌رسد؛ چون خرد بن‌بست‌پذیر نیست؛ چون خردمند را نمی‌شود در بن‌بست نگه داشت. خردمند راه‌اش را پیدا می‌کند، چون شغل‌اش و رسالتِ تاریخی‌اش پیدا کردنِ راه‌های تازه است.

یادداشتی بر دو رمان متفاوت، با یک هدف

چهره جنگ از دو نگاه

را هم از رنج بودن رها می‌کند. او، بن‌لادن و عدالت، هر سه راضی و خشنود داستان را به پایان می‌رسانند.

مخاطب بعد از خواندن اثر قطعا با خود می‌گوید: «به همین فضاخت؟» و جواب خودش را می‌دهد: «چرا که نه! قذافی، صدام، بن لادن و همه دیگر از این دست، باید به دست «ناسانیت» گشته شوند. از سیاست ورزان جز ساختن آنان کاری ساخته نیست.»

کتاب در پایان این افسوس را برای دوست‌داران صلح برجای می‌گذارد که چرا پایداری دوستی انسان‌ها به دست کاراکترهای این رمان نیست! همان‌گونه که صفحه اول کتاب برایم نوشته بود: «به امید جهانی پر از صلح.»

شهبلا آبنوس اما در «آن هجده ماه و هفت روز» جهان زشت جنگ را از مکان‌های دور از هم، به «دزفول» آرام می‌آورد و جز در اندک زمان‌هایی از آن محدوده تنگ و پر اندوه بیرون می‌آید.

داستانی رئال که گویا بر پایه تجربه‌های تلخ زیسته و ملموس نویسنده بنا گذاشته می‌شود و خواننده شگفت زده را با خود همراه می‌کند؛ اما خود نویسنده

از جایی که تشخیص نخستین صدهایی که به گوش می‌رسد، بین زلزله خدا و خمپاره جنگ در نوسان و مبهم است و گویا آرام و متین با واقعیت تلخ کنار می‌آید.

در «آن هجده ماه و هفت روز»، برای «پاسداشت حرمت و جان انسان» به جز همان دوروبری های راوی، از هیچ‌کس کاری ساخته نیست. راوی برای رفع مصیبت‌های آوار شده، به دوستانش، بقالی کوچک محله و همسایه‌هایی که حال و روزشان دست کمی از خودش ندارند، دل می‌بندد. نویسنده در دنیای پر درد جنگ، دنبال ناچی بین المللی نیست. جنگ را می‌پذیرد، اما تفسیر نمی‌کند. کفش و کلاه می‌کند و هر کاری می‌تواند بی‌سروصدا برای خودش و اطرافیان انجام می‌دهد. خواننده از خود در پایان می‌پرسد: «چه مصیبتی است این جنگ!» و بعد خود پاسخ می‌دهد: «قطعا اینگونه است.»

پایان آنکه، اگرچه خواندن هم‌زمان این دو اثر برای من اتفاقی بود، ولی دوست‌داران ادبیات معاصر ایران، از خواندن آن‌ها نصیب خوبی -چه در معنا و چه در تکنیک‌های داستان‌نویسی- خواهند برد.

خبرها

فیلم آلفونسو کوارون جوایز

جشنواره مکزیک را درو کرد

بخش فرهنگی – «رُما» ساخته آلفونسو کوارون جوایز مهم آریل مکزیک را از آن خود کرد.

به گزارش مهر به نقل از هالیوود ریپورتر، فیلم «رُما» ساخته آلفونسو کوارون پس از کسب دستاوردهای مهم جهانی موفق به کسب جوایز ملی مکزیک هم شد. این فیلم که به نوعی یک فیلم زندگی‌نامه‌ای از زندگی خود کوارون از دوران بچگی‌اش است، موفق شد تا ۱۰ جایزه از جوایز آریل مکزیک را (دوشنبه) از آن خود کند.

گرچه خود کوارون نتوانست در این مراسم که در مکزیکوسیتی برگزار شد شرکت کند اما با یک پیام ویدیویی از حضار تشکر کرد.

وی گفت از اینکه به آن جامعه تعلق دارد احساس افتخار و غرور دارد. فیلم «رُما» موفق به کسب جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمبرداری و فیلمنامه اورجینال شد.

کوارون از سال ۱۹۹۱ که برای ساخت اولین فیلم بلندش، جایزه آریل را برده بود، دیگر موفق به کسب این جایزه نشده بود. وی سال ۲۰۰۱ پس از آنکه خواستار شفافیت در روند رای دهی در آکادمی فیلم مکزیک شد، از شرکت دادن فیلم جاده‌ای‌اش در این رقابت خودداری کرده بود.

«رُما» امسال جوایز بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری و فیلم خارجی زبان را از آکادمی اسکار دریافت کرد و اولین جایزه آکادمی را در بخش خارجی زبان برای مکزیک در تاریخ ثبت کرد. ۲ بازیگر زن این فیلم نیز موفق به کسب جوایز بهترین بازیگر زن نقش اصلی و مکمل از جوایز آریل شدند. امسال شصت و یکمین دوره اهدای این جوایز ملی سینمای مکزیک بود.



داستان زندگی شیندلر

روی پیشخوان کتابفروشی‌ها

بخش فرهنگی– کتاب «فهرست شیندلر» اثر ماندگار توماس کنیلی با ترجمه محبوبه مهرآفرید بعد از ۱۹ سال از سوی انتشارات جمهوری منتشر شد.

کتاب «فهرست شیندلر» بر پایه زندگی واقعی اسکار شیندلر نوشته شده است. این اثر تاریخی مردم و مکان‌های واقعی را با حوادث داستانی و صحنه‌های اضافه شده توسط نویسنده و بازسازی گفت‌وگوها توصیف می‌کند. این کتاب در سال ۱۳۷۹ از سوی انتشارات سمن منتشر شده بود و حال بعد از گذشت ۱۹ سال با ترجمه‌ای متفاوت از سوی انتشارات جمهوری منتشر شده است.

اسکار شیندلر همان سرمایه‌دار سودجوی اتریشی است که به کراکوف می‌آید تا با استفاده از نیروی کارگران یهودی بی‌جیره و مواجب، یک کارخانه تولید ظروف فلزی برای مصرف آلمانی‌ها راه بیندازد؛ اما در حوادث تو در توی سرنوشت خود، راه دیگری را در پیش می‌گیرد.

در اکتبر ۱۹۸۰ ، توماس کنیلی به فروشگاه پولدک فیفربرگ در بورلی نیاز رفت تا درباره قیمت کیف‌ها سوال کند. صاحب فروشگاه یکی از یهودی‌های شیندلر بود که دو کابینت مغازه‌اش را با اسناد هولوکاست پر کرده بود و برای هر نویسنده‌ای که به مغازه‌اش می‌آمد، داستان زندگی‌اش را تعریف می‌کرد. کنیلی با شنیدن حرف‌های او تصمیم به نوشتن کتاب «فهرست شیندلر» گرفت. همان اثری که در سال ۱۹۸۲ برنده جایزه ادبی من بوکر شد.

از این کتاب فیلمی سینمایی به همین نام نیز اقتباس شده است که علاقه‌مندان سینما به خوبی با آن آشنایی دارند. فیلمی آمریکایی به کارگردانی استیون اسپیلبرگ که محصول سال ۱۹۹۳ است. این فیلم تا مدت‌ها در فهرست ۲۵۰فیلم برتر سایت بانک اینترنتی اطلاعات فیلم‌ها رتبه ۵ را داشت. «فهرست شیندلر» یک موفقیت تجاری با فروش ۳۲۱ میلیون دلاری بود و در کنار آن توانست جوایز بسیاری از جمله جایزه اسکار بهترین فیلم و جایزه اسکار بهترین کارگردانی را بدست بیاورد. «فهرست شیندلر» اثر ماندگار توماس کنیلی با ترجمه محبوبه مهرآفرید در ۴۹۶ صفحه با شمارگان هزار نسخه و قیمت پشت جلد ۶۰ هزار تومان از سوی انتشارات جمهوری چاپ و روانه بازار شده است.



بیل موری جایزه

یک عمر دستاورد هنری را از جشنواره رم می‌گیرد

بخش فرهنگی– جشنواره فیلم رم ۲۰۱۹ با اهدای جایزه یک عمر دستاورد هنری از بیل موری بازیگر کهنه‌کار تجلیل می‌کند.

به گزارش مهر به نقل از وریاتی، جشنواره فیلم رم با اهدای جایزه یک عمر دستاورد هنری که توسط وس اندرسون به بیل موری اهدا می‌شود، از این بازیگر کهنه‌کار تجلیل می‌کند. آندرسون کارگردانی موری را در چند مورد از نقش‌های به یادماندنی وی از جمله در «خانواده اشرافی تنیام»، «دارجلینگ با قدرت محدود»، «قلعمرو طلوع ماه» و «هتل بزرگ بوداپست» برعهده داشته است.

قرار است این ۲ برای یک گفتگوی با هم درباره حرفه کاری موری نیز روی صحنه بروند.